

# ضرورتِ حمایت از تولید

حسین نجفآبادی\*

عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی  
صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و ایران



این می‌شود که کارخانه را می‌بندد یا همه‌چیزش را می‌فروشد و به امید آینده‌ای بهتر سرمایه را برداشته و از کشور خارج می‌شود. جامعه‌ای که در آن امید نباشد و دچار روزمرگی شود می‌میرد. برای داشتن جامعه‌ای پویا و شاد باید اقتصادی پویا و سالم داشت، کسب درآمد و رونق اقتصادی از اصلی‌ترین ارکان اقتصاد است. نتیجه حمایت از تولید و تولیدکننده، ایجاد اشتغال است. اشتغال بیشتر درآمد بیشتر به همراه می‌آورد. هرچه درآمد بیشتر باشد مصرف‌کننده هم بیشتر خرج می‌کند و کالا مصرف می‌کند. تولیدکننده برای جبران کسری بازار بیشتر تولید می‌کند و این در نهایت می‌شود رونق اقتصادی. در نتیجه رمز داشتن جامعه‌ای سالم حمایت از تولید است؛ نه دلال. اگر واقعاً یک‌راه عملی پیدا شود که بتوان دست واسطه‌ها را از بازار کوتاه کرد و سود حاصل از فروش را به عامل اصلی آن - که تولیدکننده است - رساند قیمت‌ها هم کمتر می‌شود؛ این هم به نفع تولیدکننده است هم به نفع مصرف‌کننده. تولیدکننده اگر توانایی مالی داشته باشد می‌تواند محصولات را در بسته‌بندی مناسب‌تری ارائه کند. می‌تواند هزینه بیشتری در زمینه تحقیقات و تبلیغات انجام دهد. می‌تواند کیفیت محصولاتش را بالاتر ببرد و حتی محصولاتش را به بازارهای جهانی صادر کند. گرچه بازار داخلی ما پتانسیل خیلی بالاتری از حال حاضر دارد. بازار ایران برای تمامی کشورهای اروپایی و آسیایی و حتی آمریکایی بازاری جذاب و پرسود است، چرا از این بازار خودمان استفاده نکنیم. چرا باید فقط بازارمان را برای محصولات خارجی باز کنیم تا کالاها به راحتی چه به صورت قاچاق و چه قانونی به آن راه پیدا کنند و پُر شود از کالاهای بیگانگان و دیگر جایی برای محصولات تولید خودمان باقی نماند؟

با نیم‌نگاهی به محصولات و تولیدات داخلی، می‌فهمیم نه حال تولیدکننده خوب است نه حال تولید! مدتی است بازارها از رونق افتاده‌اند، تولیدکنندگان دیگر رغبتی برای تولید و دست‌وپنجه نرم کردن با مشکلات را ندارند، خیلی‌ها دیگر حتی تولید ندارند چه برسد به رقابت. تاکنون برای حل مشکلات و موانع موجود در استان‌ها کارگروه‌های مختلف تشکیل داده‌اند و حتی در سطح ملی سازمان‌ها و نهادهایی جهت رفع مشکل ایجاد کرده‌اند مثل سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و امثال این‌ها؛ این در حالی است هم تولیدکنندگان و هم مصرف‌کنندگان از شرایط می‌نالند! در این بین سهم تولیدکنندگان از مشکلات خیلی بیشتر است؛ چراکه مسائل و مشکلات مالیاتی، بیمه، حقوق کارگران قسط‌های عقب‌مانده بانکی و ... به دوششان آن‌قدر سنگینی می‌کند که توان ایستادن ندارند. بیشترین فشار و سختی را متحمل می‌شوند و کمترین سود را می‌برند. چراکه برنده اصلی دلالان و واسطه‌ها هستند. آن‌ها دست‌رنج کشاورزان و صنعت‌گران را به نازل‌ترین قیمت ممکن خریده و با سودهای دو سه برابری راهی بازارهای مصرف می‌کنند، آن‌ها همیشه برنده بازی هستند و بازنده همیشه تولیدکننده است.

این روزها تولید دچار روزمرگی شده است، دیگر چرخش نمی‌چرخد. همین‌که هزینه امروزش را دربیانورد راضی است. تولیدکننده هم امیدی به آینده ندارد. هرچه درمی‌آورد هزینه تولید می‌شود و سودش هم به جیب دلالان می‌رود. نه پس‌اندازی برای آینده می‌تواند داشته باشد و نه پولی برای به روزرسانی خط تولید و یا گسترش کارش می‌ماند. توان رقابت در بازارهای خارجی را هم که ندارد، بازار داخل هم که یک روز خوب است و دو روز بد،